

NO GEPH

NO GEPH

NO GEPH  
NO GEPH  
NO GEPH  
NO GEPH  
NO GEPH  
NO GEPH

## خوشنویسی

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش نویس نام دارد. به‌خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه‌ی شخص باشد گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است. به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند. از این رو خوشنویسی با نگارش ساده مطالب و حتا طراحی حروف و صفحه‌آرایی متفاوت است. همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تایپوگرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد. خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن. تعادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و پویایی و تغییر شکل یابندگی آن از سوی دیگر تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد. اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر برخوردارند. آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود. در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده‌است و هر حرف به صورت یک مدول ثابت درمی‌آید که تخطی از آن به‌منزله نادیده گرفتن توافقی چندصدساله‌است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت طرفین حاصل می‌آمده‌است. حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبانی مشخصی تعیین می‌شده که در رسم‌الخط‌ها و آداب‌المشق‌ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شده‌است. قرارگیری کلمات نیز یعنی کرسی هر سطر هر چند نه به صورت کاملاً پیش‌بینی و تکلیف شده که ناممکن بوده‌است اما به شکل سلیقه مطلوب زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده‌است.

خوشنویسی اسلامی خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی خاص داشته‌است زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند. آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها به‌کار می‌بردند. خوشنویسی یا خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است. مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده‌است. خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده‌است. قدیمی‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی‌طالب منسوب است. پس از قرن پنجم هجری خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه‌دار خط کوفی منحنی و قوس‌دار است. در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقله بیضاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقلام سته معروف شدند که عبارتند از: محقق ریحان ثلث نسخ رقاع و توقیع. که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می‌باشد. همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که به اصول دوازده‌گانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از: ترکیب کرسی نسبت ضعف قوت سطح دور صعود مجازی نزول مجازی اصول صفا و شأن. یک قرن بعد از ابن مقله ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود.

خوشنویسی ایرانی درحالی که عمده تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده‌است رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند. هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه افغانستان پاکستان و هند می‌باشد. در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است. در ایران پس از فتح اسلام خطاطی به شیوه نسخ وجود داشت. در زمان حکومت ایلخانیان اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزیینی زینت یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق خط نستعلیق را بنیان نهاد. مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایستقر میرزا بود. آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی

ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار قطعات ظریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و به‌کار رفته‌است<sup>۱۱</sup> این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته‌است<sup>۱۲</sup> هرچند آنان نیز برای امور منشی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر به‌کار می‌بردند اما اوج هنرنمایی آنان بر خلاف خوشنویسان ایرانی در خط ثلث و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است<sup>۱۳</sup> در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتیبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد<sup>۱۴</sup> هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند<sup>۱۵</sup> خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست<sup>۱۶</sup> خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم پا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاع به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود<sup>۱۷</sup> که بعدها به وسیله خواجه عبدالحی منشی استر ابادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد<sup>۱۸</sup> پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود<sup>۱۹</sup> در قرن هشتم میرعلی تبریزی<sup>۲۰</sup> ۸۵ هجری قمری<sup>۲۱</sup> از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نسختعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد<sup>۲۲</sup> این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید<sup>۲۳</sup> و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید<sup>۲۴</sup> خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند<sup>۲۵</sup> در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان<sup>۲۶</sup> که تعلق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند<sup>۲۷</sup> رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد<sup>۲۸</sup> بطور کلی قرن‌های نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست<sup>۲۹</sup> در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد<sup>۳۰</sup> علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور منشی‌گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست<sup>۳۱</sup> همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق ایرانیان به‌خاطر سرعت در کتابت شکسته تعلیق آن‌را نیز بوجود آوردند<sup>۳۲</sup> درویش عبدالمجید طالقانی این خط را به کمال رساند<sup>۳۳</sup> در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد<sup>۳۴</sup> از یک سو با تأکید و توسعه سیاه‌مشق نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد<sup>۳۵</sup> در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی خط را از کنج کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریان‌های هنری مدرنی شیوه‌هایی چون نقاشی‌خط را به‌وجود آوردند که کماکان مورد توجه محافل هنری جهان است<sup>۳۶</sup> در سال‌های پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۲۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت<sup>۳۷</sup> همچنین خطی به نام معلی در سال‌های اخیر با تأثیر از خطوط اسلامی ایرانی ثلث و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید عجمی ابداع گردید که تاحدی مورد استقبال قرار گرفت<sup>۳۸</sup> آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می‌توان به ابداعات خوشنویسی سبحان مهرداد محمدپور اشاره کرد خط سبحان یک خط قانونمند همانند نسخ و ثلث بوده و قابلیت کتابت و کتیبه نویسی فارسی و عربی را دارا می‌باشد و آن را در دسته ی خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند<sup>۳۹</sup>

فن الخط فن الخط وهو نوع من الفنون البصرية وهو غالبا ما يطلق على فن الكتابة<sup>۴۰</sup>  
 ۱۹۹۶<sup>۴۱</sup> ۱۷<sup>۴۲</sup> والتعريف المعاصر لممارسة فن الخط العربي هو فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معبرة ومتناغمة وماهرة<sup>۴۳</sup>  
 ۱۹۹۶<sup>۴۴</sup> قصة الكتابة هي واحدة من التطور الجمالي متحدد في إطار المهارات التقنية وسرعات الانتقال وتحديد المواد الزمان والمكان من الشخص<sup>۴۵</sup>  
 ۱۹۶۸<sup>۴۶</sup> ۴۴۱<sup>۴۷</sup> ويوصف نمط معين من الكتابة بأنه نصي أو نسخ أبجدي<sup>۴۸</sup> فريزر و  
 جونستون ۱۹۰۹<sup>۴۹</sup> ۶<sup>۵۰</sup> يتراوح الخط الحديث من كتابات وتصاميم خط اليد الوظيفي إلى القطع الفنية حيث التعبير المجرد للعلامات المكتوبة بخط اليد التي قد تحل أو لا تحل محل قراءة الحروف<sup>۵۱</sup>  
 ۱۹۹۶<sup>۵۲</sup> يختلف الخط العربي الكلاسيكي عن الطباعة وعن خط اليد الغير تقليدي وإن كان الخطاط قد يبتكر كل هؤلاء وهي تاريخيا حروف منظمة ومع ذلك سلسلة وتلقائية ومرتبطة في لحظة الكتابة<sup>۵۳</sup> بوت ۲۰۰۶ و ۲۰۰۵<sup>۵۴</sup> و ۲۰۰۷<sup>۵۵</sup> ويستمر الخط العربي في الأزدهار في أشكال دعوات الزواج والأحداث وتصميم بنط<sup>۵۶</sup> الطباعة وتصميم الشعار باستخدام خط النسخ والفن الديني والإعلانات<sup>۵۷</sup>  
 التصميم الجرافيكي<sup>۵۸</sup> وفن الخط والنقش على القطع الحجرية ووثيقة العزاء<sup>۵۹</sup> ويستخدم أيضا من أجل الأثاث والصور المتحركة للسينما والتلفزيون والشهادة في القضايا وشهادات الميلاد والوفاة والخرائط وغيرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة<sup>۶۰</sup>

الأدوات الأداة الرئيسية في فن الخط هو القلم مشطوف الرأس والمديب والريشة<sup>۶۱</sup> وهناك المحبرة عبارة عن



مذہب نے وی مانتا پائی ہے انسان نے اپنے فیدے لئی ہتھ نال کئی چیزاں بنائیاں سکھیاں تے فیر کانسی ویلے  
 ۱۱۱۱۱ م پ وچ پھلیاں انسانی ربتلاں پونگریاں پرانے مصر پرانے عراق فارس بڑیہ ربتل چین  
 پرانے یونان روم تے انکا تے مایا دیاں ربتلاں نے اپنیاں آرٹ دیاں ریتاں اپنیاں ضرورتاں تے اپنے کول ہون  
 والیاں شیواں توں بنایاں آرٹ اودوں لکھائی دے بن نال ثردا اے لکھائی اپنے مذہ ویلے توں تے ہپار دے  
 کم نوں سوکھا تے لین دین نوں یاد رکھن لئی بنی لکھائی پہلے مورتاں نال تے فیر وازاں نوں نشان دے کے  
 تے اوہناں نوں جوز کے بنائی جاندی اے

پرانا عراق پرانے عراق دا آرٹ دجلہ تے فرات دے دریاواں دے وشکار ۱۱۱۱۱ ہزار ورے پہلے توں اوتھے پونگرن  
 والیاں اشوری سمیری کالدی ربتلاں وچ بنیا ایتھوں دے آرکینیکچر وچ ات تے ذات دا ورتن سی تے  
 ایدے نال زکورت مندر تے وکھریاں پدھراں والے برم بنائے گئے محلاں وچ وکھریاں پدھراں تے سوبنے رکھ  
 لائے گئے جیہڑے پرانی دنیا دیاں ۱۱۱۱۱ نوپکلیاں شیواں وچوں سن بتی بنان دا ول لکڑ نوں چھل کے تے نقشی  
 دہکی پتھر نال بنیا تے ایہناں نال مذہبی شکاری تے فوجی وکھالے انساناں تے جانوراں نال بنائے جاندے  
 سن سمیری ویلے وچ نکیاں بتیاں جتاں دے کبارے تکھے رنگلے پتھر دیاں گتجے سر تے چھاتیاں تے ہتھ  
 سن اکادی ویلے دیاں بتیاں دے سر دے وال لمے تے داڑیاں سن جیویں نارام سین عموری ویلے دیاں بتیاں  
 نوں لاگاشی گڈیا وچ سمجیا جاسکدا اے جیدے چ گڈیا نے چادر سر تے نوپی تے ہتھ چھاتی تے رکھے نیں  
 اشتر بوا جیہڑا بابل وچ ۱۱۱۱۱ م پ وچ بنایا گیا سی بابل دے آرکینیکچر ارت دی وڈی نشانی اے تے ایدا کج  
 حصہ پرگامون میوزیم برلن وچ ہے گیونل شیرنی ۱۱۱۱۱ ورے پرانی لائم پتھر دی بنی اک مورتی اے  
 عراق وچ ایہ اودوں بنی جدوں پہیہ تے لکھن دا ول بنے گئے دکھنی عراق وچ ارک وچ گول پیپ ورگیاں مہراں  
 تے بنیاں مورتاں کھانی سنندا اک نوپکلا ول سی ایہ مہراں پتھر منی یا کسے ہور شے دیاں وی بنیا  
 ہوسکدیاں سن رات دی رانی عراق چوں لہی کوئی ۱۱۱۱۱ ورے پرانی پتھر تے بنی عورت دیوی دی بتی اے  
 جیدے پیر پنجمی ورگے دوالے پر سجے کھسے شیر تے الو نیں گڈیا دی بتی ۱۱۱۱۱ م پ ورے  
 پرانی اے ار دا سنینڈرڈ کھڑی بکری تانبہ بلد تے گدھ دی یادگار پرانے عراق دے آرٹ دیاں منیاں  
 پرمینیاں نشانیاں نیں لکھائی دا ول بنن نال پرانے عراقی لکھتاں وچ وی اپنے آپ نوں دسدے نیں گلگامش  
 ۱۱۱۱۱ صدی م پ وچ لکھی گئی ایدے وچ سمیری تے اکادی دیوتاواں دیاں کہانیاں نیں اثراہسس اکادی ویلے  
 دی اک لکھت اے جیدے وچ بز آن دی کہانی دسی گئی اے بابل دیاں لکھتاں وچ سب توں منی پرمینی  
 لکھت انوما الیش اے جیدے وچ ایس کائنات دے بنن دی کہانی دتی گئی اے

پرانا مصر ملکہ نیفریتیتی پرانا مصری آرٹ ۱۱۱۱۱ م پ توں لے کے ۱۱۱۱۱ تک دے ویلے تک پھیلی ہوئی مصری  
 ربتل دی نشانی اے تے ایدے وچ مورتاں بتیاں آرکینیکچر تے رلدیاں چیزاں آندیاں نیں ایہ مصری آرٹ  
 پرانیاں قبران تے یادگاری تھانواں توں لبیا تے اینج ایدھے وچ مرن مگروں جیون تے پرانی جانکاری نوں بچان  
 تے زور اے ایہ آرٹ ۱۱۱۱۱ م پ توں لے کے تیجی صدی تک تے اچھے دوسرے تے تیسرے نبر ویلے وچ  
 بنیا ۱۱۱۱۱ ورے دے لمے ویلے وچ ایدا تے باہر دا کوئی اثر ناں پیا تے جس ودیا ول نال ایہ ثریا تے بنایا گیا  
 انت تک انج دا ای ریا ایس ویلے دا منیا آرٹسٹ پیپلو پکاسو مصری آرٹ توں اثر لیندا اے مصر اک سکا  
 دیس ہون باجوں ایتھے بنیاں مورتاں ٹھیک ملیاں نیں مصر دیاں بتیاں وچوں سب توں چوکھیاں جانیان  
 جان والیاں رامسیس اخناتون نیفریتیتی اوسکورن امنہونپ منکار تے تتنخامون  
 نیں مصری پانڈے پتھر توں لے کے منی نال بندے سن تے اوبنے تے کالے یا رنگلے نقش بنے ہوندے سن  
 ایہناں وچ عام کر وچ ورتن دے پانڈے مرتبان کڑے نیں مصری مندراں ۱۱۱۱۱ محلاں ۱۱۱۱۱ ہرماں ۱۱۱۱۱ قبران ۱۱۱۱۱ تے ہور  
 کوٹھیاں نوں بنان وچ ات لائم پتھر ریتلا پتھر تے گریناٹ ورتے گئے لکڑ تھوڑی ہون باجوں ایدا ورتن تھوڑا  
 اے خوفو دا ابرام ابوالہول کرناک لکسر ادفو دے مندر ایدے وڈے ادھارن نیں مصری لکھتاں تے  
 مورتاں بنان لئی پیپائرس ورتدے سن ایہ اک بوئے توں بنایا جاندا سی ایدیاں نشانیاں مصر دے سکے  
 موسم وچ رہ گیا ہور کلاسیکی دنیا وچ وی ایدا ورتن سی پر پر کتے ہور ناں ربتیاں

پرانا یونان پرانا یونانی آرٹ بتیاں آرکینیکچر پانڈے تے مورتاں وچ دسد اے تے ایس نے یورپ تے ایشیاء وچ  
 پاکستان تک اپنے رنگ چھڈے نیں یونانی پانڈے وکھریاں ویلیاں وچ وکھریاں ولان تے نمونیاں وچ بندے  
 سن پانڈے جتاں وچ مرتبان تے پلیناں تے عام زندگی دیاں مورتاں بنیاں ہوندیاں سن یونانی آرکینیکچر  
 اپنی شان سادگی تے سوہنپ وچ اپنی ادھارن آپ اے پرگامون پارٹھینن بیفسٹس دا مندر ویکھن والیاں  
 تھانواں نیں مائلو دی وینس سیموتھریس دی نائیکے یونانی بتیاں دیاں ودیا ادھارن نیں

دکھنی ایشیاء دکھنی ایشیاء وچ آرٹ دی ریت بڑیہ ربتل توں ثردی ہوئی اج دے ویلے تک اپڑدی اے بانڈے  
 بتیاں آرکینیکچر مورتاں تے ایہ آرٹ ویکھیا جاسکدا اے مہنجدواڑو دی نچدی کڑی پنڈت بادشاہ مہراں  
 جنہاں تے ہاتھی بلد تے سواستیکا بنے ہوئے سن تے منی دے وڈے مرتباناں تے پانڈیاں تے مورتاں اوس

ویلے دے آرٹ دا وکھالہ نیں بت بنانا ہندو جین تے بدھ مت دی ریت رٹی اے اجنتا دے غار پرانی ہندستانی بتی دی اک ودیا تھان اے ہندو ہزاراں وریاں توں اپنے دیوی دیوتاواں وشنو شیوا لکشمی گنیش ہنومان اندرا رام تے سرسوتی دیاں مورتاں تے بتیاں بنا کے مندران تے کراں وچ رکھدے آئے نیں اقلے پنجاب وچ گندھارہ بدھ مت دے ارکینیکچر دی وڈی تھان سی ایہ بتیاں بدھ تے اودے جیون دے دوالے نیں تے ویلے نال ایہناں دے بنان وچ تبدیلیاں آئیاں تے یونانی رنگ وی دسدا اے مغل راج ویلے ایرانی رنگ موراں وچ دسدا اے مغل راج ویلے دیاں مورتاں مغل بادشاہواں تے اوہناں دے جیون دے دوالے ای بنیاں نیں کانگڑہ راجپوت تے پنجاب مورتاں بنان دے مغلان مگروں وکھرے سکول سن مورتاں دے ول نوں انگریزاں نے آکے اپنا رنگ وی چاڑیا قطب مینار قطیادین ایبک دی جت تے دلی وچ بنایا گیا اک مینار اے ارکینیکچر وچ پرانے قلعیاں مندران دے مگروں مغل ویلے وچ مغل آرکینیکچر ہندستان دی پہچان بندا اے تاج محل بادشاہی مسجد شالامار باغ شاہی قلعہ مغل آرکینیکچر دے کج نشان نیں

اسلامی خطاطی اسلامی خطاطی یہ ایک فن ہے جو لکھنے سے تعلق رکھتا ہے بالخصوص عربی حروف خوبصورت انداز میں لکھنے کا فن اس فن کو اسلام سے جوڑ دیا گیا اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مقبول ہونا ہے اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریر اور تحفظ اس فن کو فروغ ہونے میں کامیابی ملی یہ فن عربی زبان ہی میں نہیں بلکہ فارسی ترکی اردو آذری زبانوں میں بھی عام ہے

خطاطی بحیثیت اسلامی فن کافی سراہی گئی مذہب اسلام کے ماننے والے دنیا کے مختلف ممالک میں ہیں اور مختلف زبانیں بولتے ہیں یہ فن مسلمانوں کی مختلف زبانوں کو جوڑنے کا کام کیا ہے عربی فارسی اردو سندھی آذری ترکی وغیرہ زبانوں میں بھی یہ فن مقبول ہوا قرآن کی کتابت میں یہ فن بہت ہی کارآمد رہا چھاپہ مشین ایجاد ہونے سے پہلے کاتب حضرات ہی ان زبانوں میں کتابت اور اشاعتوں کا بیڑا اٹھایا عثمانیہ دور میں دیوانی خط عروج میں آیا دیوانی خط کا ایک روپ جلی دیوانی یا دیوانی الجالی ہے رفتہ رفتہ رقم خط کا ارتقاء ہوا اشیاء خطاطی ترمیم رواجی طور پر خطاطی کے لیے قلم دوات اور رنگ اہم ہیں قلم خطاطی کے لیے مخصوص قلم بنائے جاتے ہیں برو یا بانس یا بمبو کے قلم مشہور ہیں قلم کی نوک حروف کی چوڑائی کے مطابق بنائے جاتے ہیں حروف جتنے چوڑے قلم کی نوک اتنی چوڑی دوات دوات شنی اور ہمہ قسم کے رنگ بھی استعمال ہوتے ہیں خطاطی سکھانے کے کئی مراکز بھی ہیں شہر حیدرآباد دکن میں اردو اکیڈمی انجمن ترقی اردو عابد علی خان ٹرسٹ آج بھی خطاطی میں ٹریننگ دے رہے ہیں

مساجد اور خطاطی ترمیم اسلامی مسجد خطاطی یہ بھی اسی فن کا ایک جز ہے مسجدوں کی میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ہے مساجد میں قرآنی آیات میناروں پر گنبدوں پر اندرون گنبد پر قرآنی کلمات کا لکھا جانا فن تعمیر فن خطاطی کا ایک مرکب ہے

عبارت بسم اللہ الرحمن الرحیم اور اللہ محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم مساجد میں لکھنا ایک عام رسم ہے ان کے علاوہ قرآنی آیات کا لکھا جانا بھی عام ہے

عربی زبان عربی العربية یا عربی لغة عربية سامی زبانوں میں سب سے بڑی ہے اور عبرانی اور آرامی زبانوں سے بہت ملتی ہے جدید عربی کلاسیکی عربی زبان فصیح عربی یا اللغة العربية الفصحی کی تھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ہے فصیح عربی قدیم زمانے سے ہی بہت ترقی یافتہ شکل میں تھی اور قرآن کی زبان ہونے کی وجہ سے زندہ ہے فصیح عربی اور بولے جانے والی عربی میں بہت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی ہے جیسے بولے جانے والی اردو اور ادبی اردو میں فرق ہے عربی زبان نے اسلام کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانوں مثلاً اردو فارسی ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ڈالا ہے اور ان زبانوں میں عربی کے بے شمار الفاظ موجود ہیں عربی کو مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ہے اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھنے کی وجہ سے عربی حروف اور الفاظ سے مانوس ہیں عربی کے کئی لہجے آج کل پائے جاتے ہیں مثلاً مصری شامی عراقی حجازی وغیرہ مگر تمام لہجے میں بولنے والے ایک دوسرے کی بات بخوبی سمجھ سکتے ہیں اور لہجے کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے یہ دائیں سے بائیں لکھی جاتی ہے اور اس میں ہمزہ سمیت حروف تہجی ہیں جنہیں حروف ابجد کہا جاتا ہے

حروف تہجی حروف تہجی سے مراد وہ علامتیں ہیں جنہیں لکھنے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے اکثر زبانوں میں یہ مختلف آوازوں کی علامات ہیں مگر کچھ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں بھی

استعمال کیے جاتے ہیں بعض ماہرینِ لسانیات کے خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا فنیقی لوگوں نے حروف کو استعمال کیا بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں بعض ماہرین ان کی ابتداء کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لیے گئے ہیں جنہیں حروف ابجد بھی کہا جاتا ہے ان کی پرانی عربی ترتیب کچھ یوں ہے ابجد ہوز حطی کلمن سعفس قرشت ثخذ ضطغ انہیں حروف ابجد بھی کہتے ہیں علمِ جفر میں ان کے ساتھ کچھ اعداد کو بھی منسلک کیا جاتا ہے جو کچھ یوں ہیں

اس طریقہ سے اگر بسم اللہ الرحمن الرحیم کے اعداد شمار کیے جائیں تو اے بے بنتے ہیں بعض اہل علم ہمزہ اے کو بھی ایک الگ حرف مانتے ہیں اس حساب سے پھر عربی کے انتیس حروف تہجی بنتے ہیں اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے علاوہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں اردو میں ہمزہ سمیت کل حروف ہیں اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی ظاہر کی جاتی ہیں مثلاً کھ بھ وغیرہ اردو میں فن تاریخ گوئی کی صنف موجود ہے جس میں اشعار یا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی تاریخ برآمد کی جاتی ہے اردو میں حروف کے اعداد حروف ابجد جیسے ہی ہیں اضافی حروف کے لیے بھی انہی سے مدد لی جاتی ہے مثلاً پ کے اعداد ب کے برابر ڈ کے اعداد د کے برابر گ کے اعداد ک کے برابر اور ے کے اعداد ی کے برابر شمار کیے جاتے ہیں